

نقش رسانه‌ها در ترویج دموکراسی

لطیفه افضلی

چکیده

هر کسی بخواهد تعریف شایسته و قابل دفاعی از دموکراسی ارائه دهد، باید روی چندین مسأله بپردازد که یکی از مسایل، شمار گوناگون معانی از دموکراسی در طول قرن‌های گذشته می‌باشد. که در این جا به محدودی از مفاهیم آن اشاره می‌کنم. حکومت مردم، حکومت نماینده گان مردم، حکومت حزب مردم، حکومت اکثریت، حداکثر مشارکت سیاسی و اجتماعی، حقوق برابری شهروندی، رقابت نخبگان برای کسب قدرت، جامعه مدنی، اقتصاد بازار آزاد و خلاصه هر چیزی چشمگیر و زیبایی می‌تواند تعریف از دموکراسی باشد.

اما با اندک تأمل می‌توان دریافت این تعاریف با هم ناسازگارند و در تقابل قرار دارند که می‌توان به عنوان مثال از دموکراسی مستقیم در مقابل دموکراسی نمایندگی، دموکراسی نخبه‌گرا در برابر دموکراسی مشارکتی، دموکراسی سیاسی در برابر دموکراسی اجتماعی یاد کرد. پس می‌توان گفت که دموکراسی هنوز مفهوم ذاتا مجادله انگیز است و در مورد تعریف‌اش اساسا هیچ توافق جمعی وجود ندارد ولی اگر به مفهوم عام آن که همانا حکومت مردم برای مردم است و با تحقق آن جامعه ایجاد شده را می‌توان دموکراتیک تلقی کرد و از آنجایی که این روش می‌تواند اصل کرامت و حرمت انسانی و پیشرفت و خوشبختی مردم را در بر داشته باشد موجودیت آن در هر جامعه مهم تلقی می‌شود و تنها زمانی می‌توانیم از این نعمت بهره گیریم که با استفاده از ابزاری دست داشته مان به ترویج و گسترش آن اقدام نماییم و با توجه به شرایط کنونی رسانه ها می‌تواند به مثابه بهترین گزینه در رسیدن به این هدف ما را یاری رساند.

واژه‌های کلیدی: دموکراسی، رسانه، وحدت و همگرایی، نظارت بر عملکرد حکومت، اطلاع رسانی دقیق.

در افغانستان بیش از یک دهه است که رسانه‌ها به عنوان چشم و گوش مردم مسوولیت بزرگ اطلاع رسانی را به عهده گرفته‌اند و از آن جایی که مورد استقبال نسبی مردم قرار گرفته تأثیرات ژرف در تغییر اوضاع و اصلاح جامعه را نیز با خود داشته است و یقیناً گاهی این تحولات از سوی مردم مقبول بوده و گاه مردود و سمت و سوی آن هم گاهی در جهت مثبت بوده و گاه در جهت منفی.

واما اگر بخواهم تعریفی از رسانه ارائه نمایم تعریف ذیل می‌تواند درست باشد:

رسانه در لغت به هر وسیله ابلاغ می‌گردد که توانایی انتقال داده‌ها را داشته باشد و اما در اصطلاح به مجموعه‌ی ابزار و وسیله‌هایی اطلاق می‌گردد که برای نیل به مقاصد مختلف ایجاد گردیده و با تسلط بر افکار، اراده و احساسات بشریت انعکاس دهنده مهم‌ترین موضوعات روز می‌باشد و به یقین از آن جایی که یکی از نیازهای اساسی و مبرم رسانه‌ها همانا آزادی بیان است پس می‌توان آن را نماد از وجود دموکراسی در یک کشور تلقی نمود و این بدان معناست که در جامعه مورد نظر حرف و حدیث حاکمان با رعیت در تضاد نبوده بلکه اهداف موجوده مشترک هستند چون در آفرینش اینگونه حکومت‌ها مردم سالاری نقش اول را ایفا می‌نماید. پس حساسیت‌ها و علایق در برابر سرنوشت جامعه برای هر دو جناح (ملت و دولت) یکسان می‌باشد و از طرفی امروزه رسانه‌ها با گسترش مرزهای جغرافیایی، فرهنگی و سیاسی هویت انسان معاصر را تحت تأثیر قرار داده، طوریکه میتوان هویت انسان مدرن را هویت رسانه‌ی نام گذاشت و بدون شک می‌توان گفت همین رسانه‌ها هستند که گاه در ایجاد تحکیم و نقاط قوت جامعه و بعضاً در تضعیف پایه‌های اصلی جامعه دخیل هستند و این موثریت به دلیل این بوده که در عصر کنونی رسانه‌ها توانسته‌اند با انتقال اطلاعات جدید. تبادل افکار و عقاید و آگاه ساختن افراد از حقوق و مسوولیت‌های آنان در راه پیشرفت و متعالی شدن تمدن بشری نقش بزرگی را به عهده گیرند و بی‌تردید بعنوان رکن چهارم دموکراسی می‌باشد.

سوال تحقیق: رسانه‌ها در ترویج دموکراسی چی نقشی را داشته می‌تواند؟

فرضیه تحقیق: بدون شک اوضاع نا بسامان کنونی کشور استدلال مقتدری در بوجود آوردن دموکراسی بوده می‌تواند و از طرفی تجربه نشان داده که تسلیمی منفعلانه در مقابل قوانین ظالمانه و آسیب‌های بر خاسته از اعمال این قوانین نا عادلانه زبان‌های جبران ناپذیری را در پی خواهد داشت بناً از آنجایی که مشاهده می‌گردد افغانستان منحیث کشوری که در آن سال‌های متمادی دموکراسی اهمیت و معنای واقعی خویش را سلب شده می‌پندارد، بجاست که برای کسب اعتبار دوباره‌ی آن از کوچکترین امکانات سود برد و بی‌گمان رسانه می‌تواند یکی از بی‌نظیرترین این ابزارها باشد که با طرح و تحقق برنامه‌های سالم می‌تواند جامعه را به سوی پیشرفت و آگاهی عظیم سوق داده و ملت را از حالت ناگوار که ذلت، بیچارگی و درماندگی را به همراه دارد رهایی بخشد.

اهمیت تحقیق: مناسب خواهد بود که این موضوع را با ارائه یک ضرب المثل آتنی توضیح نمایم که به صورت ذیل بیان می‌شود:

کفش را کفاش می‌دوزد اما فقط کسی که آن را می‌پوشد می‌تواند بگوید کجای کفش پا را میزند. این ضرب المثل مبین موضوع بزرگیست که ما را ترغیب و تشویق می‌نماید تا در قبال سرنوشت مان بیدار باشیم زیرا این مردم هستند که نتایج سیاست های دولت را عملاً احساس خواهند کرد و اگر نتوانیم با جدیت و آگاهی کافی مانع جریان های تند رو و مستبد شویم انتظار قدم برداشتن به سوی جامعه آرمانی و نزدیک شدن به آن انتظار نامعقول خواهد بود. بناً تحقیق و تلاش برای دریافت روش های متفاوت در رسیدن به یک جامعه دموکراتیک عاری از اهمیت نمی‌باشد.

هدف تحقیق: داشتن نقش مفید و موثر توأم با همکاری خیرخواهانه در ترویج دموکراسی در افغانستان. و ابراز نظریات سودمند برای دستیابی به آن.

پیشینه و ضرورت تحقیق: از دیر زمانی به اینسو یعنی تقریباً از شروع سده‌های چهارم و پنجم پیش از میلاد که اندیشه دموکراسی در آتن شکل کلاسیک یافت و از اوایل قرن پنجم قبل از میلاد به این سو که به صورت اجرایی درمد نویسنده گان، متفکران و اندیشمندان بزرگ جهانی همچون (دیوید بیتهام، الن دوبنوا، ولادیمیر ایلیچ لینین) به ارائه نظر در مسأله مهم بنام دموکراسی پرداختند که حاصل از آن، کتاب‌ها، مجلات و مقالات بی نظیری استند که به رشته‌ی تحریر در آمده اند و اما بنده به عنوان کسی که نتوانسته شاهد تحقق به تمام معنای دموکراسی در کشورش باشد می‌خواهم چند روش و یا راهکار های موثری را که رسانه ها می‌تواند با استفاده از آن در توسعه دموکراسی سهیم شوند ارائه نمایم.

دموکراسی

اغلب زمانی که سخن از دموکراسی به میان می‌آید این واژه معنا های مختلف را نزد افراد متفاوت به خود می‌گیرد و اگر آن را به معنای دقیق کلمه یعنی حکومت مردم بدانیم باید مفهوم اش حکومت کل مردم باشد نه حکومت بخشی از مردم بر بخشی دیگر و همچنان در معنای عام می‌توان گفت دموکراسی بیان کننده‌ی این آرمان است که تصمیم‌های که بر اجتماعی به عنوان یک مجموعه اثر می‌گذارند باید با نظر کلیه‌ی افراد آن اجتماع اتخاذ گردد و همچنان کلیه‌ی اعضا باید از حق برابر برای شرکت در تصمیم گیری برخوردار باشد و اما در عصر حاضر و از آغاز قرن بیست و یکم دموکراسی بعنوان رایج ترین نظام سیاسی در جهان مطرح گردیده که در ابتدا به آن پدیده اروپایی و غربی اطلاق می‌گردید اما در طی چندین قرن گذشته به تدریج توانست در سر زمین های دیگر نیز گسترش یابد در قرن بیستم نظام های سیاسی تک حزبی، توتالیتر و فاشیستی مدتی استقرار یافت، ولی حکومت دموکراتیک توانست به واسطه یی

بحران های مختلف سر انجام جانشین آن گردد، لیکن حقیقت انکار ناپذیری هم وجود دارد و آن اینست که دموکراسی با وجود پیشرفت های که داشته و دارد بازهم عالمگیر نیست و هنوزهم رژیم های اقتدار طلب و شبه دموکراسی در کشور های گوناگون حکمرانی دارند اما با وجودی این وضع دموکراسی توانسته حتا در کشورهای که شیوه زندگی دموکراتیک در آن برقرار نیست در نهاد و رویه های برخاسته از آن رواج داشته باشد از اینرو شناخت دموکراسی در وجوه مختلف فکری، نهادی و سیاسی آن برای شناخت نظام های سیاسی اساسا غیردموکراتیک نیز ضروری شده است و بعنوان شیوه ی زندگی سیاسی در جهان مدرن بر مبانی و اصولی استوار است که در طی فرایند دراز مدت برای ایجاد حکومت دموکراتیک تکوین یافته است. جوهر این اصول و مبانی را می توان در اصالت برابری انسان ها به اساس حقوق انسانی آنان نه، بلکه بر اساس ملیت گرایی و قوم گرایی، اصالت فردی، اصالت قانون و تطبیق عادلانه ی آن. اصالت حاکمیت مردم و تاکید بر حقوق طبیعی، مدنی و سیاسی انسان ها یافت و منظور از اصالت برابری این است که در دموکراسی هیچ گروهی از افراد یا طبقات بر سایر افراد در بدست آوردن حکومت برتری ندارد و حق حکومت کردن به هیچ صورت به طور دایمی به شخص یا گروهی تعلق نمی گیرد و هیچ کس نمی تواند بر اساس برتری های طبیعی و اجتماعی خویش سایرین را از آن محروم نماید و این فرمانروایی تا زمانی ادامه می یابد که مردم بصورت دلخواه و از روی رضایت از آن پیروی نمایند، نه به حکم ترس و اجبار. همواره باید دو اصل وجود دموکراسی که همانا نظارت همگانی بر تصمیم گیری جمعی و داشتن حق برابر در اعمال این نظارت هاست، محترم شمرده شود تا بتواند حکومت دموکراتیک را که از طریق رقابت در انتخابات به مسند قدرت رسیده و مسوول پاسخگویی به مردم می باشد و در آن قانون متضمن حفظ حقوق مدنی و سیاسی باشد را تداوم بخشد وهمچنان بر اساس اصل برابری حکومت نباید تنها به منافع مردم بطور مساوی اهمیت دهد بلکه به نظرات آنان نیز به طور برابر ارج نهد و یکی از خصیصه های حکومت دموکراتیک را که بر آورده کردن نیاز های مردم است تقویت شود و با پذیرش پیش انکاره دموکراسی که بطور یقین وجود کثرت و گوناگونی در درون جامعه و اما برابری شهروندان ان جامعه است سازگار شد چون دموکراسی تنها زمانی می تواند بقا یابد که مردم برای ادامه همزیستی قادر به توافق با یکدیگر شوند.

رسانه:

در عصر حاضر و بویژه در اواخر قرن بیست و یک رسانه ها بعنوان عامل اصلی گسترش ارتباطات توانسته جهان را با همه وسعتش به یک دهکده کوچک مبدل سازد و در کنار دیگر مشغله های بشر موفق به داشتن نقش بسزای در آگاه ساختن و اختصاص دادن وقت آنان به خود شده اند که از جمله رسانه هایی عمومی می توان به روزنامه ها، رادیو، تلویزیون، سینما، ماهواره و اینترنت اشاره کرد که بر اساس ویژگی های که در انتقال پیامها دارند از جایگاه متفاوت نیز در جامعه برخوردارند. گرچه حضور رسانه ها در غرب به ۴۰۰ سال قبل برمیگردد اما در افغانستان هم توانسته بعنوان پدیده جوان. نوپا و روبه رشد جایگاه قابل توجهی را در همه عرصه ها کسب نمایند و به عنوان یک قدرت اثر گذار ایینه فکر، فرهنگ و تحولات درونی و بیرونی ملت به شمار روند و اگر بخواهیم در تداوم این ارزش ها کمک نماییم باید به

اصل مفهوم اینکه آزادی بیان به هیچ عنوان قابل معامله نیست پی برد و با مراجعت به وجدان فردی از هر گونه سود جویی شخصی که به ضرر منافع بشر ختم می شوند خودداری کرد. لذا هیچ نیرویی به شمول دولت و حکومت نمی تواند به بهانه مصلحت عمومی. حفظ نظم و نظام و تامین امنیت مردم را در بی اطلاعی قرار داده حقایق و واقعیت های اجتماعی را از آنان کتمان کرد و هرگز حق سلب آزادی های فطری و اولیه یی آنان را که یکی هم حق آزادی بیان میباشد را ندارد لذا رسانه های همگانی در ایجاد دموکراسی جدید نقش اساسی و حیاتی دارند زیرا بخش عمده ی اطلاعات و درک و برداشتی که شهروندان بر پایه آن در باره رهبران و سیاست های تصمیم می گیرد از آنچه خود و یا اعضای فامیل و دوستان شان روی صفحه تلویزیون تماشا می کنند و یا در روزنامه می خوانند و یا از رادیو می شنوند نشأت می گیرد ازینرو بیشتر نظریه پردازان دموکراسی عقیده دارند که دموکراسی آنگاه می تواند کامیاب شود که رسانه های همگانی اصل رویداد های سیاسی را آنگونه که است به شیوه یی منعکس کنند که برای مردم عادی قابل فهم باشد و به دور از هرگونه جانبداری که در آن فقط دیدگاه صاحب امتیاز را به نمایش می گذارند به دنبال تفسیر واقعیت ها باشند.

• رسانه ها با کدام روش ها می تواند در ترویج دموکراسی در افغانستان موثر باشند؟

در یک ونیم دهه اخیر رشد رسانه ها در افغانستان بعنوان یک دستاورد با ارزش حکومت محسوب می گردد و توانسته منزلت ویژه در بین مردم افغانستان کسب نمایند و مخاطبان خاص خود را پیدا کنند و نقش آن ها در راستای مبارزه با افراط گرایی نیز برجسته و براننده بوده است و اما گاهی این تلاش ها به دلیل ضعف مدیریت و نداشتن برنامه های موثر به افول گراییده است که فقط می توان با جاگزینی روش های متناسب تر از قبل آن را جبران نمود و این روش ها اگر در تحقق دموکراسی گام بردارد بیشک سودمند واقع خواهند شد پس ترتیب ذیل می تواند مظهر نیکی، برای رسیدن به این آرمان باشد که بتوان دموکراسی را با استفاده از رسانه ها ترویج داد:

• معرفی اصل دموکراسی و اهمیت آن برای افراد جامعه

بی تردید اگر مردم عادی ویژه گی خاصی در دموکراسی نیابند و آن را با زندگی روزمره و شرایط زندگی خود مرتبط ندانند اقدامی نیز برای دفاع از آن نخواهند کرد و همچنان اگر مردم در عدم آگاهی نسبت به حقوق خویش و عدم آشنایی به اهمیت ایجاد تشکلات و اجتماعات بسر ببرند پس برای آنان دموکراسی به صورتی ظاهر می گردد که از محتوا و جوهر تهی است در این جاست که رسانه ها باید سطح آگاهی مردم را ارتقا داده و بعنوان مجرای در بر قراری ارتباط میان آنان و دموکراسی عمل کنند.

• اطلاع رسانی دقیق و به اسرع وقت

به این معناست که آخرین اطلاعات با کوچک‌ترین جزییات در اختیار مردم قرار داده شوند و این مجموع می‌تواند شامل: دسترسی به اسناد و مدارک دولتی، علنی بودن جلسات نهاد های دولتی، نمایش و بیان تخلفات و بی‌قانونی داخل دولت نیز باشد و این اصول خود نمایانگر استقلال رسانه ها در یک جامعه دموکراتیک می‌باشد که تحت هیچ جبری، چه فردی یا گروهی قرار ندارند و همچنان مبین یکی از نیاز های اولیه دموکراسی بنام آزادی بیان می‌باشد.

• نظارت بر عملکرد دولت و وادار نمودن آنان به پاسخگویی

رسانه ها بعنوان رکن چهارم دموکراسی علاوه بر تاثیر گذاری بر افکار عمومی باید ناظر بر اعمال حاکمان و مسوولان دولتی نیز باشند و عملکرد رسانه ها در جهت زیر سوال بردن دولت و اطلاع رسانی به مردم برای مبارزه با تمایل دولت به پنهان کاری و متوازن کردن حجم ماشین روابط آن ضرورت دارد دولت تنها زمانی می‌تواند دولت پاسخگو تلقی شود که مردم از عملکرد آن آگاه شوند و رسانه در عین حال که نباید وارد محدوده یی زندگی خصوصی مردم شوند، وظیفه دارند تا اطلاعات کافی و تصویر کلی از منافع عامه را در اختیار مردم قرار دهند و مردم نیز حق دارند به آن ها دست یابند در غیر این صورت رسانه ها از ایفای نقش خطیر خود بعنوان نگهبان منافع عمومی ناتوان می‌مانند.

• برگزاری مناظره های عمومی

رسانه ها باید علاوه بر انتقال اطلاعات زمینه تشکیل تریبونی آزاد برای مناظره عمومی را نیز فراهم آورند طوریکه حاکمان و سایر شخصیت های دولتی باید از طریق آن جوابگوی سوالات باشند به نحوی که این پاسخ ها در اختیار توده مخاطب قرار گیرد. به این ترتیب وسیله برای انتقال افکار عمومی به دولت نیز فراهم می‌شود و بر اهمیت آن افزوده خواهد شد اگر بتوانند آن را از طرق رسانه هایی تصویری بخصوص تلویزیون به صورت زنده به دست نشر بسپارند.

• تقویت وحدت.همگرایی و همدیگر پذیری

بدون شک اگر مردم یک مملکت نتواند همدیگر را فقط منحنی انسان و هم وطنش قبول نماید دموکراسی در آن پدیده‌ای نا اشنایی خواهد ماند پس به عنوان آخرین و مهم ترین اصل در ترویج دموکراسی رسانه ها باید بتوانند عقیده یی که براساس آن جهان بوجود آمده از جمادات و نباتات، حیوانات، معادن، مفارقات و فلکیات همه یک وجود اند که در مرتبت فوق، اقوی و اشد وجود خدا "ج" قرار دارد را گسترش دهد و بعنوان یک نیروی اثرگذار در جهت تقویت اتحاد و همبستگی و گرایش های سیاسی بر محور مشترک می‌تواند نقش بی بدیل را ایفا نماید و این رسانه هاست که توانایی دارند با پرورش و نمایش مشترکات و هماهنگی میان بخش های مختلف جامعه با وجودی تفاوت های فکری، مذهبی، قومی و سلیقوی

شرایط را فراهم آورد که اندیشه تفرقه افکنانه و اختلاف برانگیز رشد نیابند و با ترویج و تقویه یی روحیه ملی در میان اقوام و گرایش سیاسی نوع تفاهم ایجاد نموده و آنان را آماده یی پذیرش رهبر از هر طبقه از مردم نمایند که ملاک ان فقط به مسند نشانندن دموکراسی در کشور باشد.

نتیجه گیری

در خاتمه اشاره به این نکته ارزش دارد که ببینیم تا چه حد می توانیم از راهکار ها و راهبرد های گوناگون به اشکال مختلف در نهادینه نمودن پایداری دموکراسی سود ببریم و برای نیل آن دوشادوش هم از هیچ تلاشی دریغ نورزیم و با توجه به میزان محاسن و معایب که هر نظام دارد وارد عمل شویم و نگذاریم دولت های مستبد و فاشیسم اقتدار یابند تا قادر شویم در سایه و گستره دموکراسی به حقوق انسانی و فطری خویش دست یافته و راه برای رشد و متعالی شدن متداوم باز نماییم و خود و هموطنان خویش را از زندگی رقت باری که جز خواری و برده گی را به همراه ندارد نجات دهیم و البته که این امر سعی وافر و خستگی ناپذیر می طلبد و رسیدن به آن با موانع و طوفان های شدید برخورد خواهد کرد ولی اگر ما به صورت یک کتله بزرگ، متحد و منسجم هم سو شویم هیچ قدرتی توانایی ایستادگی در برابر ما را نخواهد داشت و هیچ ترفند مکارانه نمی تواند بر ما غالب شود پس بی گمان ما منحیث کسانی که توانستیم به درک و احترام متقابل و رهایی از هرگونه تبعیض متوسل شویم و مسوول ایجاد چنین انگیزه ها و راهکار باشیم تا روزی شاهد دموکراسی باشیم که در عمل پیاده گردیده نه در گفتار.

منابع :

- دایرة المعارف دموکراسی - سیمور مارتین لیپیست
- دموکراسی چیست؟ آشنایی با دموکراسی - از انتشارات یونسکو - دیوید بیتهم و کوین بویل
- تأمل در مبانی دموکراسی - الن دوبنوا
- دموکراسی در کدام وضعیت - یادداشت مقدماتی در باره مفهوم دموکراسی - جورجو آگامبن - منصور تیغوری
- لینین و دموکراسی - ولادیمیر ایلیچ لینین
- دموکراسی و حقوق بشر - دیوید بیتهم